

عمل کنند تا مسائل خرد و مطالبات افراد و منطقه ای و حوزه نمایندگی.

■ یعنی باید اولویت بندی می شد و پروژه های مهم یا مهم تر اجرایی می شد و نه فرودگاهی که الان اقتصادی نیست؟

در باره این نوع امور باید بر اساس مصالح ملی تصمیم گیری شود.

■ وقتی که در آمد و بودجه کشور صرف پروژه های غیر ضروری می شود، خواسته ها و مطالبات اصلی مردم که عملاً تحقق پیدا نمی کنند، چه سر نوشتی پیدا می کنند؟

در این زمینه چون رابطه این پروژه ها با تک تک نمایندگان مجلس برقرار نیست، کسی هم پاسخگو نیست. در مجموع اگر بیلان نظام حمل و نقل هوایی کشور منفی است و مثبت نیست، از نماینده مجلس در این خصوص سؤال نمی کنند. یعنی مردم از نماینده مجلس سؤال نمی کنند که چرا اراندمان هواپیمایی کشوری منفی است.

مردم از این نماینده سؤال نمی کنند و اطلاعی هم راجع به این مسائل ندارند. در واقع مصالح ملی، پیگیری کننده و مطالبه گر ندارد. نهاد های ملی و نهادهای انتخاباتی مثل احزاب باید مصالح ملی را پیگیری کنند.

حزب است که می تواند در این زمینه سؤال کند یا بر اساس برنامه انتخاباتی که دارد یا وعده ای که داده است، بگوید یکی از وعده های من ارتقای بهره وری و عملکرد حمل و نقل هوایی است یا بهبود کیفیت هواپیمایی کشوری است. حزب می تواند این مسائل و موضوعات را مطرح کند ولی یک نماینده فلان شهر یا منطقه دور افتاده کشور نمی تواند چنین ادعایی داشته باشد.

■ نماینده فقط باید پیگیر مسائل و موضوعات ملی باشد و مثلاً پیگیری کند که بهره وری ارتقا پیدا کند و نباید پیگیری های دیگری را انجام بدهد؟

بله. بالاخره وظایف نماینده و مجلس

معلوم است. مجلس، دو کار کرد اساسی دارد که یکی از آنها تقنین و وضع مقررات و ساماندهی خلأ های قانونی است که دستگاه ها و وزارتخانه ها نیاز دارند. وقت یک نماینده مجلس باید صرف این شود که از تخصص خودش در یکی از کمیسیون های مرتبط استفاده کرده و به کار کارشناسی و ارتقای کیفیت طرح ها و لوایح قانونی کمک کند.

در حال حاضر، عمر بسیاری از مصوبات مجلس ما، حتی کمتر از یک دوره چهار ساله مجلس است یعنی در طول یک دوره مجلس، یک مصوبه چند بار اصلاحیه می خورد. این وضع نشان می دهد که از اول روی این مصوبه کار کارشناسی انجام نشده و وجوه مختلف آن دیده نشده بود و در اجرا نقاط ضعف آن معلوم شده است و به همین دلیل به طور مرتب اصلاحیه می خورد. بالاخره اگر ساز و کار به گونه ای بود که نمایندگان مجلس، کار کارشناسی انجام می دادند

یا از کارشناسان می توانستند مشاوره بگیرند، قوانین منسجم تر و بهتر تصویب می کردند و ما این همه انباشت قانون و این همه تغییر و اصلاحیه قانونی نداشتیم. بخش دیگر از فعالیت مجلس، نظارت بر فعالیت دستگاه های اجرایی است و این موضوع هم، یک نگاه کلان می خواهد و وظیفه مجلس نیست که بدانند فلان شعبه بانک در فلان محله، چه کار کرده است. البته بخش مهمی از دستگاه ها و نهادهای اجرایی ما هم بنابه دلایلی، خارج از حوزه نظارت مجلس تعریف شده اند که آن هم یک گرفتاری دیگری است که جای خود دارد. اما همان قلمروهایی که تحت نظارت مجلس تعریف می شود، مجلس و نمایندگان به جای کلان نگری و نظارت، بیشتر به دنبال رفع و رجوع مسائلی هستند که توسط رای دهندگان به آنها منتقل شده و اگر هم نظارتی وجود دارد، در این حد است که وام فلان فرد پرداخت شده یا نه.

■ مطالبه اجتماعی، در حقیقت مطالبه ای است که توانسته عمومیت پیدا کند و پشتوانه ای که پیدا کرده است، جمع وسیعی از مردم هستند. با شناختی که از جامعه دارید، چقدر از مطالباتی که مطرح است و مردم از طریق نمایندگان

مجلس پیگیر آنها هستند، واقعی هستند و الزاماً نیاز است که این مطالبات پیگیری شود؟

این نیازها بر اساس شناخت کافی و کاملی از شرح وظایف و عملکرد مجلس و نماینده مجلس نیست و از طرف دیگر، بر اساس شناخت از مصالح ملی و سیاست های توسعه ای و نیاز های ملی نیست. حتی نیاز های جمعی که در حوزه های انتخابیه و مناطق مختلف کشور مطرح است، اگر ضد منافع ملی نباشند، حداقل انطباق کامل با منافع ملی ندارند.

■ وقتی که مطالبات اجتماعی که مطرح است ولی برآورده نشود، بی تفاوتی اجتماعی و سیاسی به وجود می آید. بی تفاوتی سیاسی و اجتماعی هم، عامل مثبتی برای توسعه و پیشرفت کشور نیست. دست کم برای چند سال آینده، چه کارهایی می شود انجام داد که مجلس، مطالبات مردم را پیگیری کند و از طریق مجلس، مطالبه گری انجام شود؟

یک کار جدی که باید انجام شود، اصلاح نظام انتخاباتی کشور به سمت نظام حزبی است. یعنی کارها باید از این طریق دنبال شود. اما در عین حال در کوتاه مدت هم، کاندیداها به جای وعده های مختلف، باید چند نیاز و ضرورت منطقه ای را در زمان انتخابات مطرح کنند و نماینده، بیشتر پاسخگوی نیاز های جمعی باشد تا شخصی و فردی. همین موضوع، یک گام رو به جلو خواهد بود.

■ به هر شکل به خاطر تحریم، صادرات نفت ایران و در آمد دولت از این محل کاهش شدیدی داشته است. از طرفی، بیش از ۹۰ درصد بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان دولت و هزینه های جاری می شود. در همین وضعیت فعلی، آیا ممکن است کاندیدا هایی که درگیر انتخابات هستند به مردم وعده ای بدهند که قابل تحقق باشد؟

نوع کار نماینده مجلس، وعده امورات اجرایی دادن یا اجرای امور توسط دستگاه ها و وزارتخانه ها نیست. این فرهنگ غلطی است که در جامعه ما جا افتاده است. نماینده مجلس اگر می خواهد وعده ای بدهد، باید این باشد که خلأ های قانونی را پُر کند و اگر قانونی وجود دارد و باید اصلاح شود، آن را باید مطرح کند. کاندیدای مجلس باید بگوید اگر به من رای بدهید، دنبال این مأموریت می روم. چرا که اصل پرداختن به پیگیری مطالبات اجرایی، خارج از وظایف نمایندگی مجلس است.

■ در موقعیت فعلی که انتخابات مجلس و شورای شهر را پیش رو داریم، کاندیداها دوست دارند که رأی بیاورند و از آن طرف هم مردم انتظاراتی از منتخبان و نمایندگان خودشان دارند. چطور می شود یک وضعیت مناسب انتخاباتی را رقم زد که انفعال و بی تفاوتی سیاسی هم به وجود نیاید؟

بهترین موضع این است که کاندیداها می توانند بگویند ارتقای جایگاه مجلس به جایگاه واقعی خودش به عنوان مرکز و کانون تصمیم گیری کلان کشور و ارتقای جایگاه نماینده از پیگیری مطالبات شخصی و فردی به مطالبات کلان ملی. اگر کاندیدای انتخابات، این دو وعده را مطرح کند و بر اساس آن، فرهنگ تبلیغات انتخاباتی ما به این سمت ارتقا پیدا کند، انتظارات غلط از نمایندگان کاهش پیدا می کند.

■ واقعیت جامعه این است که برخی از کاندیداها به مردم و رأی دهندگان شام و ناهار می دهند و از این طریق رأی جذب می کنند. آیا این امکان وجود دارد که در کوتاه مدت، یک تغییر اساسی ایجاد شود و مردم مطالبه های مثبت و کلان مثل ارتقای جایگاه مجلس، از نمایندگان داشته باشند و نه اینکه مطالبات فردی و خصوصی خودشان را به نماینده بگویند؟

رابطه نهادهای می تواند این مشکل را حل کند و اگر رابطه شخصی و روبرویی باشد یک کاندیدا حتی برای کسب رأی، باید ناهار و شام رای دهندگان را تأمین کند. وجود ارتباطات شخصی و برخورد چهره به چهره نمایندگان برای دهندگان در وضعیت فعلی اجتناب ناپذیر است.

■ از جنبه آسیب شناسی انتخابات، آیا نکته خاصی مانده است که ضرورت داشته باشد مطرح کند تا مطالبه گری از طریق مجلس به شکل صحیح انجام شود؟

من فکر می کنم آسیب شناسی کلان این است که مجلس از امکان حضور کاندیداها و قوی و شایسته و مناسب، با ساز و کارهای گزینشی نظارت استصوابی محروم شده است و اصولاً آدم های قابل و متناسب با شأن نمایندگی مجلس، کمتر کاندیدا می شوند یا کمتر از فیلتر شورای نگهبان عبور می کنند. مشکل عمده ما این است و به هر حال ما باید نمایندگان را در سطح انتظارات قانون اساسی داشته باشیم و هم اینکه جایگاه مجلس، ارتقا پیدا کند و تا این وضع درست نشود، ما امکان ایجاد یک تحول اساسی نداریم. اساساً نماینده مجلس، باید قدرت نظارت کافی و نقد نهادها و مراکز را به اندازه کافی داشته باشد و گر نه، ما مجلس قدرتمندی نخواهیم داشت.